



## مطالعه بعد طبیعی آفرینش از دیدگاه قرآن

### زهره صناعی نژاد<sup>۱</sup>

#### چکیده

هر چند از دیدگاه قرآن، هدف نهایی طبیعت شناسی، افزودن معرفت انسان ها نسبت به خداوند و تقرب به اوست، اما با بررسی و مطالعه آیات قرآنی، این نکته به دست می آید که قرآن از پرداختن به پدیده های طبیعی، اهداف متوسطی را نیز دنبال نموده است که لازمه و مقدمه رسیدن به آن هدف نهایی به حساب می آیند این پژوهش به دنبال آن است تا با **مطالعه بعد طبیعی آفرینش از دیدگاه قرآن** به دست آورد و در ادامه عملکرد بعد طبیعی را در تعامل با چرخه هستی به بحث گذاشته و کلیتی نمودار گونه از روند آفرینشی وی ترسیم نماید. در این راه از روش تحلیلی - تفسیری بهره گرفته شده است که جمع آوری مطالب نیز به صورت کتابخانه ای و میدانی انجام گرفته است. در پایان این مطالعه نشان می دهد، همان گونه که خداوند با دمیدن روح خلاقه خود در جسم بی جان، آدمی را می آفریند؛ انسان نیز در مقام جانشین وی با دمیدن روح خلاقه خود در کالبد مواد خام و بی جان به آنها زندگی می بخشد و بدین سان هنر از انسان زاییده می شود. در طول تاریخ خلقت، طبیعت، گاه خدای انسان و گاه ابزار انسان بوده است. انسان، همواره یا سوار بر طبیعت است و از مظاهر آن، نهایت استفاده را می برد و یا به شدت، مسحور طبیعت می شود و طبیعت، او را رام خویش می کند و حتی زندگی او را دستخوش تغییرات اساسی قرار می دهد. بر همین اساس است که رابطه انسان و طبیعت باید با شناخت درست از طبیعت و بر اساس معیارهای عقلانی ترسیم شود.

**واژه های کلیدی:** آفرینش جهان خلقت، طبیعت، دیدگاه قرآن، بعد طبیعی آفرینش

<sup>۱</sup> سطح دو (معادل لیسانس)، (حوزه ی عمومی ویژه)، دانشگاه حوزه ی علمیه حضرت معصومه سی سخت، [ZohresanaeeV@gmail.com](mailto:ZohresanaeeV@gmail.com)

## ۱\_ مقدمه

طبیعت را میتوان به عنوان اولین و بزرگترین معلم انسان ها برشمرد. در این راستا بشر در طول تاریخ همواره به دنبال یافتن راه حل هایی از دل طبیعت برای مشکلات و پیچیدگی های زندگی خود بوده است؛ تا آنجا که ریشه تمامی اختراعات بشری را می توان در طبیعت یافت.

معماری نیز از این امر مستثنی نبوده و در سبک ها و گرایش های مختلف خود، زمانی با قوت بیشتر و گاهی در پشت پرده ، طبیعت را به نحوی متجلی ساخته است. اندیشمندان و معماران بسیاری را می توان نام برد که در وضع قوانین زیباشناسی و با ارایه اصول و مبانی طراحی طبیعت را در راس مطالعات و پژوهش های خود قرار داده اند. به عنوان مثال رالف والدو امرسون هنرمندان را تشویق به الهام از طبیعت می کرد. او می نویسد: طبیعت سیستمی از فرم ها و روش های به وجود آوردن را خلق می کند که به طور مستقیم قابل تطبیق در هنر است. [۳] و یا تاداؤو آندو معمار ژاپنی نهایت جاودانگی و آزادی انسان را در یکی شدن با طبیعت می داند. [۴] همچنین می توان به ویوله لودوک" اشاره داشت که معماران را ترغیب به استفاده قوانین طبیعت می کرد. [۳] و در این میان شاید زیباترین و کامل ترین بیان از لویی هلمن" باشد که چنین بیان می دارد: «ما در معماری بدون آن که متوجه باشیم به دنبال مسیری برای رسیدن به طبیعتی هستیم که از آن برخاسته ایم، برای رسیدن به معماری ایده آل و در عین حال منطبق بر ارزش ها، تمایلات ، خواسته ها و نیازهای روحانی و جسمانی خود، چاره ای جز حرکت در مسیر از پیش تعیین شده طبیعت که از جانب ذات اقدس الهی از جهانی بالاتر برآن مسلط شده، نداریم.» [۵]

طبیعت، از ماده «طبیع» به معنای: نهاد، سرشت و حیات مادی است و در تعریف آن گفته اند که: «طبیعت، شامل همه موجودات مادی، همراه با قوانین حاکم بر آنهاست و همچنین اجرام آسمانی و تمامی اجسام اطراف ما را هم شامل می شود. مصادیق طبیعت، عبارت اند از: زمین، آسمان، کوه، دشت، دریا، رودخانه ها، حیوانات، گیاهان، ابرها، بادهای و روابط و قوانین حاکم بر آنها»<sup>۲</sup>

در طول تاریخ خلقت، طبیعت، گاه خدای انسان و گاه ابزار انسان بوده است. انسان، همواره یا سوار بر طبیعت است و از مظاهر آن، نهایت استفاده را می برد و یا به شدت، مسحور طبیعت می شود و طبیعت، او را رام خویش می کند و حتی زندگی او را دستخوش تغییرات اساسی قرار می دهد. بر همین اساس است که رابطه انسان و طبیعت باید با شناخت درست از طبیعت و بر اساس معیارهای عقلانی ترسیم شود.

قرآن کریم - که در همه عرصه های زندگی، چراغ راهنمای مسلمانان است - در این مورد هم به کمک ما آمده است و دستورها و رهنمودهایی را به منظور استفاده درست از طبیعت و رفتار صحیح با مظاهر طبیعی اطرافمان، در اختیار ما قرار داده است تا با اتکا به آن راهنمایی ها، رابطه خود را با محیط اطرافمان به گونه ای مؤثر و سازنده شکل دهیم. اهمیت این موضوع در اسلام، تا حدی است که ده درصد آیات قرآن (حدود ۷۵۰ آیه)، به طبیعت و پدیده های طبیعی اختصاص یافته است.<sup>۳</sup> [۱]

قرآن در آیات گوناگون، ما را به شناخت طبیعت، دعوت کرده است و از ما خواسته است که هنگام حضور در طبیعت، بدان بیندیشیم :

«در زمین برای اهل یقین، نشانه هایی است»<sup>۴</sup>.

«بنگرید که چه چیزهایی در آسمان و زمین است»<sup>۵</sup>.

## ۲\_ تعریف واژه ها در لغت و قرآن

قبل از تفسیر آیات مربوط به مراحل خلقت ، لازم است تعریفی از واژه های ارض، سماء و یوم ارایه گردد.

ارض: در لغت به پایین هر چیزی ارض گویند و به بالای آن آسمان گویند و از همین روست که بعضی از لغویین ادعا کرده اند که هربالایی نسبت به پایین آن سماء و هر پایینی نسبت به بالای آن ارض است [۶]. در قرآن ارض و سماء، در معانی متعدد به کار رفته

<sup>۲</sup>. سیمای طبیعت در قرآن، ص ۶

<sup>۳</sup>. همان، ص ۷.

<sup>۴</sup>. سوره ذاریات، آیه ۲۰.

<sup>۵</sup>. سوره یونس، آیه ۱۰۱.

است، به عنوان مثال، در سوره ابراهیم سماء به معنای جهت بالا است: «اصلها ثابت و فرعها فی السماء - ریشه آن در زمین است و شاخه های آن به آسمان بالا کشیده شده است» [۷] و یا در آیه دیگر، از «جو»، اطراف زمین مورد نظر است: «و نزلنا من السماء ماء مبارکاً- و از آسمان، آب پربرکتی فرستادیم.» [۸] همچنین ارض در یکجا به معنای کره زمین فقال لها وللأرض ائتباطوعا او کرها- پس به آسمان و زمین گفت: خواه یا ناخواه بیایید.» [۹] و در جای دیگر به معنای مراتب نازل وجود یدیر الأمر من السماء إلى الأرض - کار را از آسمان تا زمین سامان می دهد» [۱۰] است. [۱۱]

یوم: واژه یوم در لغت نگاهی به مقدار زمان میان طلوع و غروب آفتاب و گاهی به مدتی از زمان، هر مقدار که باشد، اطلاق می گردد. [۶]

در قرآن هم «یوم» به سه معنا به کار رفته است:

از طلوع تا غروب خورشید: فعقروها فقال تمتعوا فی دارکم ثلاثه ایام ... - آنگاه آن ماده شتر را می کردند، پس صالح گفت: سه روز در خانه هایتان برخوردار شوید.» [۱۲]

دوره ای از زمان: «و لقد ارسلنا موسی بآیاتنا ان اخرج قوم من الظلمات الی النور و ذکرهم بایام الله ...- به راستی موسی را با آیات خود فرستادیم که قوم خویش را از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون آور، و به آنان روزهایی که حوادث مهم الهی در آنها رخ داده، را یادآوری کن ...» [۱۳]

روز قیامت: «فالله یشکم بینهم یوم القیامه - خداوند روز قیامت بین آنها حکم خواهد کرد.» [۱۴]

## ۳\_ هدف از خلقت

این که چرا خداوند، انسان و سایر موجودات را آفریده یکی از اساسی ترین مسائلی است که همواره مطرح بوده و هست، به طور کلی در این زمینه دو سؤال اساسی مطرح است؛ یکی این که آیا آفریننده و فاعل این جهان، از کار خود هدفی داشته است، دیگر اینکه آیا این جهان به عنوان آفریده و فعل خداوند هدف و مقصدی دارد، سؤال اول، بیانگرهدف فاعلی و سؤال دوم، بیانگرهدف فعلی است. برای پاسخ به این سوال باید گفت که: در خلقت و آفرینش موجودات دو هدف قابل تصور است: یکی هدف متوسط؛ که خلقت برای عبادت و بندگی خداست، چنان که قرآن کریم می فرماید: «و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون جن و انس را خلق نکردم، مگر برای عبادت و بندگی..» [۱۵] و دیگری، هدف عالی و غایی که رسیدن به مبدأ نور هستی است، یعنی منتهی الیه سیر مخلوقات خداوند متعال است «وان الی ربک المنتهی انتهای سیر انسان به سوی پروردگار است» [۱۶] پس هدف غایی و عالی خلقت؛ رسیدن به کمال و نزدیک شدن انسان به خداوند متعال است، و از آن جایی که انسان اشرف و محور جهان هستی و خلیفه و جانشین خدا بر روی زمین است و تمام آن چه که خلق شده همگی به خاطر وجود آدم است و مخلوقات هستی همگی به پاس خلقت انسان خلق شده اند، چنان که خداوند متعال در حدیث قدسی می فرماید: «یا ابن آدم خلقت الأشیاء لاجلک : ای فرزند آدم تمام اشیاء را به خاطر تو خلق کردم.» [۱۷] و در قرآن کریم نیز تصریح شده که «و لقد کرمتنا بنی آدم وحملناهم فی البر والبحر ورزقناهم من الطیبات وفضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً، مابنی آدم را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا (بر مرکب های راهوار) حمل کردیم، و از انواع روزی های پاکیزه به آنها روزی دادیم، و بر بسیاری از خلق خود برتری بخشیدیم.» [۱۸] که کلمه کثیر در آیه یاد شده به معنای جمیع است. [۱۹] اما خداوند متعال در بخشی دیگر از حدیث قدسی می فرماید: «... و خلقتک لاجلی، و تو را خلق کردم برای خودم.» [۲۰] حدیث مذکور دلیل بر اثبات هدف دوم (عالی و غایی) خداوند متعال از خلقت انسان است، یعنی انسان برای رسیدن به خدا و نزدیک شدن به او و کسب مقام قرب و رسیدن به کمال الهی خلق شده است و رسیدن به کمال و قرب و دریافت رحمت به طور ذاتی ارزشمند است و ماورای آن خوبی دیگری نیست، تنها موجودی که از قرب و کمال الهی بهره مند می شود. انسان است. و این انسان در نهایت جایگاه اش نزد پروردگار است و در جوار رحمت الهی آرام میگیرد.

حال این سؤال پیش می آید که اگر انسان، هدف آفرینش جهان هستی است، پس هدف از آفرینش انسان چیست؟ آیا وجود انسان با انسان کامل، غایت بالذات و هدف اصلی از آفرینش است؟ یعنی آیا خداوند فقط و فقط به خاطر انسان است که عالم را آفریده است و انسان را هم به خاطر خود انسان آفریده است؟ یانه، از آفرینش انسان هم هدفی دیگر در کار بوده است؟ و در واقع انسان غایت بالغرض و بالتبع است؟ و وسیله ای است برای غایت دیگری؟

آیات قرآن با تعابیر متعددی به فلسفه آفرینش انسان اشاره دارد: ۱- خلافت ۲- امتحان و آزمایش ۳- رحمت و مغفرت ۴- عبادت و معرفت ۵- تقوا ۶- تذکر- تشکر ۸- تفکر - تعقل ۱۰- هدایت ۱۱- فوز و فلاح ۱۲- رجوع و بازگشت . باتوجه به این که قرآن برای آفرینش انسان نیز غرض و غایتی قابل است، بنابراین نمی توان انسان را غایت بالذات دانست، بلکه انسان غایت بالغرض است، دلیل این امر آن است که آیهای غایت خلقت او را عبادت و طاعت الهی و آبهای دیگر معرفت پروردگار و امور عقلی یا قیام به بندگی و معرفت کامل و ... دانسته اند.

به طور خلاصه:

- از دیدگاه قرآن، آفرینش، هدف دار است و آیات فراوانی دال بر وجود غایت در افعال و احکام وجود دارد.

- دسته ای از آیات قرآن، یانقی عبث بودن و باطل شمردن ولهو و لعب بودن آفرینش، بیانگر این هستند که در آفرینش عالم و موجودات، هدفی در کار بوده است. - دسته ای دیگر از آیات قرآن، صراحتاً و به طور مستقیم، بیانگر غایت هستند و غایت را هم بیان می کنند

هدف از آفرینش جهان (در مقابل انسان، انسان است و آسمان ها و زمین و هرچه در آنها است، برای انسان آفریده شده است، مقصود از انسان، انسان کاملی است که به مقام عبودیت حقیقی رسیده است؛ و جامع همه این تعابیر این است که هدف از آفرینش انسان کامل، رجوع و بازگشت به اصل خویش (ذات خداوند) است.

-هدف از آفرینش انسان و نهایت سیر او ذات خداوند است. [۲۱]

#### ۴\_ خلقت جهان از منظر قرآن

«هانس هولاین» معتقد است که امروز نیز معماری امری است آئینی: «ساختمان نیازی است انسانی، این نیاز خود را تنها در برافراشتن سقفی بر بالای سر نشان نمی دهد بلکه بیشتر در به وجود آوردن بنایی آئینی یعنی کانونی برای فعالیت های انسانی که نطفه اصلی هر شهری است آن را می بینیم. ساختمان کاری است آئینی.» [۲۲]

از دیرباز، داستان آفرینش در میان مردم جهان مطرح بوده و در طول تاریخ ذهن بشر را این سؤال به خود مشغول داشته است: «جهان هستی را که آفریده و چگونه آفریده است؟» برخی مردم در پی جواب سؤال فوق دست به دامان طبیعت بردند تا راز آفرینش را کشف و برملا کنند! که سرانجام رفته رفته به پرستش طبیعت منجر شده است. دانشمندان، نخستین نشانه های موجود از دین را گرایش به پرستش طبیعت می دانند و معتقدند هم اکنون نیز، نمونه هایی از این گونه گرایش به طبیعت در مناطق دور افتاده جهان، مشاهده می شود. [۲۳]

خوشبختانه با توجه به اهمیت داستان آفرینش، کتاب های مقدس، به طور تفصیلی و گسترده به حکایت این داستان پرداخته اند که در ادامه از منظر قرآن به شرح آن طی دو مرحله و دوران پرداخته شده است:

#### الف) دوران قبل از آفرینش جهان:

زمان عبارت از کمیتی است که به واسطه حرکت بر جسم، عارض می شود و به همین علت، فقط برای اشیای متحرک و جسمانی به کار می رود. با این تحلیل، روشن می شود که زمان، به گونه ای، وابسته به حرکت و جسم است و اگر جسم و حرکت نباشد، زمان معنا ندارد. [۲۴] نتیجه این مسئله آن است که در عالم مجردات، زمان نیست و زمان، مخصوص جهان مادی است. بنابراین، ابتدا جهان مادی خلق شد؛ سپس از حرکت ماده، زمان انتزاع می شود و با این بیان، روشن می شود که در ساحت قدس الهی، اصلاً زمان و حرکت و تغییر و تحول معنا ندارد؛ تا قبل و بعدی تصور شود، برای ما که در جهان گذران زندگی میکنیم و بر زندگی مادی ما تقدم و تأخر زمانی حاکم است. این مفاهیم، معنا دارد.

#### ۵\_ آفرینش انسان

در حدیث آمده است: «گنجی پنهان بودم که می خواستم شناخته شوم. مخلوقات را آفریدم تا همه به وجودم پی ببرند.» بخش اخیر حدیث را با وفاداری بیشتری به اندیشه ابن عربی می توان چنین بیان کرد: «تا در وجود مخلوقات، شناسای وجود خود باشم.» تمامی حدیث تکوین جهان در منظر تجلی گونه خلقت را می توان به نشات سه گانه ای برگرداند که در نمایشنامه این حدیث از آن یاد شده است. خداوند گنجی پنهان است، گنج پنهان می خواهد «اشکار شود؛ در کنه ذات خود حبی یاشوقی به آشکار شدن احساس می کند؛ آن گاه این «حب و شوق» به کار می افتد و حاصل آن «اسماء الهی» است که به اصطلاح از حالت بالقوه ای که در آن نهفته بودند رها می شوند.» [۲۵]

و اما اسماء الهی چیستند؟ «ذاتی که صفت بگیرد، تبدیل به نام آن صفت می شود؛ با علم، عالم می شود، با شهود، شاهد با قدرت، قادر. اما برای آن که این اسماء بتوانند معلوم شوند، به مظهري نیاز دارند. اسماء الهی با موجوداتی که مظهر آنهایند، دلیل وجودی پیدا می کنند. ولی همچنان که اسماء الهی از ازل بوده اند، مظاهرو صور آنها نیز از ازل وجود داشته اند. اسماء الهی جز برای موجوداتی که صورتجلی آنهایند واقعیتی ندارند.» [۲۵]

اکنون به این موضوع پرداخته می شود که تجلی اسماء چه رابطه و نسبتی با یکدیگر دارند؟ «عزیزالدین نسفی عارف و صوفی قرن هفتم هجری، این ارتباط را چنین شرح می دهد: «هولاهو».

این حقیقت مسلم، عصاره آموزه تنزیه و تشبیه « خداوند را دقیقاً دربر می گیرد. فکرتنزیه در قرآن در جمله لیس کمله شیء» و در حدیث به صورت «هیچ کس خدای را جز خدای نمی شناسد»، و در همه چیز تأمل کن، جز در ذات خداوند» بیان شده است. تشبیه نیز در سنت اسلامی یافت می شود. شاید بهترین مثال آن حدیث مشهور « خدا آدم را بر صورت خود آفرید» باشد؛ بنابراین ذات هر انسان در واقع آینه ای از ذات الهی است.» [۲۶]

قابل شدن به تمایز میان خدا و عالم، بیانگر موضع تنزیه است و تعدیل کننده این موضع، موضع تشبیه است که خدا با همه چیز است؛ زیرا امکان ندارد که برگی، بی علم، اراده و قدرت خدا بر درخت جنید. [۲۶] «جوهر در همه اشیاء مشترک است؛ چرا که وجود یکی است و این همان تشبیه است؛ مع ذلک تمایز میان اشیاء به واسطه عرض است و این نشریه را تبیین می کند. به بیان دیگر، جوهر یکی بیش نیست، اما اعراض این یک جوهر بسیار است.» [۲۶] «جوهر خداوند هرگز تغییر نمی کند، بلکه صورت ها و اعراض عین واحده است که تغییر می کند؛ یعنی تجلی عین واحد پیوسته، در حال تغییر است.» [۲۶]

به طور خلاصه تشبیه و تنزیه را می توان چنین بیان کرد: اگرچه هرچیزی تجلیای از خداست و در رابطه مستقیم با او (تشبیه)، تنها وجهی از وجوه اوست و نه وجود بدان گونه که واقعا هست (تنزیه). تشبیه و تنزیه آفرینش نوبه نو و نامکرر بودن خلقت را باز می نمایند. نوعی تنوع که همگی از یک سرچشمه جاری، و با هم به تکامل می رسند. نسفی، در کتاب «الإنسان الكامل» چنین می گوید: «ای درویش! چون دانستی که یک نور است که جان عالم است و عالم ملامال این نور است. اکنون بدان که امتیاز از یکدیگر به صورت» و «صفت است. از جهت آن که بکشور است که جان عالم است؛ اما این یک نور صفت بسیار داشت، مظاهر بسیاری می بایست تا صفات این نور تمام ظاهر شود. این نور تجلی کرد و به چندین هزار صورت ظاهر شد. هر صورت مظهر صفتی شد و هر صفتی به صورتی مخصوص گشت تا صفات این نور تمام ظاهر شدند. آن صورت همیشه با آن صفت و آن صفت پیوسته با آن صورت خواهد بود.

پیوستگی میان صورت و صفت خصیصه ای است که به موجودات شخصیت و هویت می بخشد؛ شخصیت و هویتی که همزمان پایدار و گذرا است. چه در اصل، نطفه ای است که در آغاز زندگی اش شکلی دارد خاص همان لحظه، و این شکل در طول زمان و به تدریج که دارای صفت هایی گوناگون می شود، تغییر می کند و «مظاهر» بسیار می یابد پایدار بودن شخصیت و هویت هر موجود زنده نه به اعتبار آن تشابهاتی است که میان «صورت و صفت» هر یک از لحظه ها با صورت و صفت های پیشین و پسین آن وجود دارد، بلکه ناشی از استمرار یا جاودانگی «نوری» است که زائیده آن است؛ چیزی که اثبات یک وجود میکند. ناپایدار بودن و گذرا بودن موجود یا موضوع آفرینش؛ امری است که در جامعیت آن، چگونگی وجود قابل درک و قابل قبول تواند بود. چه افراد موجودات مظاهر صفات این نوراند.

«مظاهر هر صفات» از تنوعی بی پایان، به تعداد شمار لاینتهای موجودات عالم، برخوردارند. چنانچه نسفی تأیید میکند که آفریننده، از هیچ دوانی دو بار مداد برداشت، و هیچ کلمه را دو بار نوشت و این کلمات هرگز به آخرونهایت نرسیده است و نرسد.» دواتی که «هریک» کاتب و روح و قلم با خود دارند و از خود دارند و طبیعت قلم موالید است.» [۲۷]

## ۶- چهره طبیعت در جاهلیت و اسلام

در تفکر انسان های عصر جاهلی، عناصر طبیعی، خدایان انسان شناخته می شدند؛ اما با ظهور اسلام و نزول وحی، این پندارهای غلط، نقش بر آب شدند. قرآن، همه مردم را به توحید و پرستش خدای یگانه - که خالق همه آسمان ها و زمین و هر آنچه در آنها است - فراخواند.

آموزه های قرآن، همواره بر احترام به طبیعت به عنوان نشانه های خدا (آیات) و بهره گیری عقلانی از آنها استوار است.

به طور کلی، ویژگی های دیدگاه قرآنی در مقایسه با تفکرات جاهلی را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. در نظر قرآن، تمامی عناصر طبیعی (آسمانی و زمینی) در برابر خداوند متعال، خاضع و خاشع اند و هیچ موجودی در عبادت شدن، در کنار وی یا شریک وی قرار نمی گیرد. تنها خداست که در هستی، تصرف می کند و ماه و خورشید و ستارگان و... در قبضه قدرت او قرار دارند؛ «فرمان روایی آسمان ها و زمین و آنچه در میان آنهاست، از آن خداست و بازگشت همه به سوی اوست».<sup>۶</sup>
۲. در تفکر جاهلی، عناصر طبیعی، به الوهیت گرفته شده بودند؛ ولی از نظر قرآن، همه آنها آیات الهی و نشانه هایی بر وجود خداوند هستند و به واقع، کلید و راه معرفت الهی اند. قرآن در این باره به صراحت بیان می کند: «از نشانه های قدرت او، شب و روز و آفتاب و ماه است. به آفتاب و ماه، سجده نکنید. به خدای یکتا که آنها را آفریده است، سجده کنید، اگر او را می پرستید».<sup>۷</sup>

<sup>۶</sup> سوره ذاریات، آیه ۲۰.

<sup>۷</sup> سوره یونس، آیه ۱۰۱.

۳. بر خلاف تصوّر جاهلی که عناصر طبیعی (مثل ماه و خورشید و ستارگان و...) را ازلی و ابدی می دانستند، خداوند، هیچ کدام از آنها را ازلی یا ابدی نمی داند و با به کار بردن واژه هایی چون: «ابداع»، «خلق»، «فطر»<sup>۸</sup>، «تسخیر» و... تمام آنها را آفریده و ساخته و تحت اراده و فرمان خود می داند: «و مسخرّ شما کرد، شب و روز را و خورشید و ماه را و ستارگان، همه فرمان بردار او هستند. در این ایه، برای آنها که به عقل درمی یابند، عبرت هاست». و نیز تصریح می کند که هیچ کدام از آنها جاودانه و ابدی نخواهند بود و سرانجام، روزی فراخواهد رسید که از بین می روند و تنها خداست که جاودان باقی می ماند: «آن هنگام که خورشید، بی فروغ گردد و آن هنگام که ستارگان، فروریزند و آن هنگام که کوه ها از جای خود به حرکت درآیند...»<sup>۹</sup>.

۴. در دیدگاه قرآنی، بر خلاف تصوّر جاهلی، هیچ گونه مبارزه و جنگی بین عناصر طبیعی آسمانی و زمینی وجود ندارد و نیز هیچ عنصری در طبیعت، شرور معرفی نمی شود؛ بلکه بر عکس، قرآن از هماهنگی بسیار دقیقی که بین قوای طبیعی (مانند خورشید و ابر و باد و باران و رشد و نمو گیاهان و...) وجود دارد، سخن به میان می آورد<sup>۱۰</sup>. و نیز از بسیاری از عناصر طبیعت، با عنوان رزق، رحمت، برکت، زینت و... یاد می کند<sup>۱۱</sup>.

## ۷\_ سفارش قرآن به فراگیری علوم طبیعی

مسلمانان، همواره در پی یادگیری علوم طبیعی و نیز علوم دینی بوده اند. جوهری، مفسّر بزرگ اهل سنت، معتقد است که: «مسلمانان باید در پی یادگیری علوم طبیعی و نیز علوم دینی باشند که قرآن، هر دو را خواسته است و بلکه عنایت قرآن به علوم طبیعی، بیشتر از علوم دینی است. پس چرا از آنچه در اولویت قرار دارد، دوری گزیده اند و به آنچه در اولویت قرار ندارد، روی آورده اند؟!»<sup>۱۲</sup>. متفکران مسلمان، نه تنها علوم طبیعی را جدا از دین تلقی نمی کردند، بلکه در تحقیقات مربوط به این علوم، به دنبال تبیین جهان بوده اند. دلیل این که دانشمندان مسلمان، به تفکر در طبیعت و تألیف کتب علوم طبیعی پرداخته اند، تعالیم قرآنی و احادیث منقول از پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) بوده است. به نمونه آن که علامه حسن زاده آملی نقل می کند، دقت کنید: «شیخ الرئیس ابو علی سینا، رساله ای در خواص کاسنی نوشته است. مرحوم استادام جناب آقا میرزا مهدی الهی قمشه ای، شبی در اثنای درس، حکایت فرمود که باعث شیخ بر تصنیف این رساله در خواص کاسنی، یک حدیث حضرت رسول الله (ص) بوده که حضرت فرمود: «ریشه کاسنی را نشوید [که اگر شسته شود، خاصیت آن از بین می رود]»<sup>۱۳</sup>.

## ۸\_ هدف خداوند از طرح مسائل طبیعی در قرآن

هر چند از دیدگاه قرآن، هدف نهایی طبیعت شناسی، افزودن معرفت انسان ها نسبت به خداوند و تقرب به اوست، اما با بررسی و مطالعه آیات قرآنی، این نکته به دست می آید که قرآن از پرداختن به پدیده های طبیعی، اهداف متوسطی را نیز دنبال نموده است که لازمه و مقدمه رسیدن به آن هدف نهایی به حساب می آیند که عبارت اند از :

<sup>۸</sup> فطر: به معنای ایجاد و ابداع چیزی.

<sup>۹</sup> سوره مائده، ایه ۱۸.

<sup>۱۰</sup> سوره نحل، ایه ۱۲؛ سوره لقمان، ایه ۲۹؛ سوره اعراف، ایه ۵۴.

<sup>۱۱</sup> سوره فصلت، ایه ۳۷.

<sup>۱۲</sup> سوره تکویر، آیات یک به بعد.

<sup>۱۳</sup> رک: سوره حج، ایه ۵.



**۸\_۱\_ اثبات جایگاه خداوند به عنوان آفریننده جهان**

قرآن برای این که خدا را به انسان نشان دهد و عقربه دل او را در جهت خدا نگه دارد، چگونگی آفرینش موجودات و عظمت حکمت هایی را که خدا در آفرینش آنها به کار برده است، به او یادآور می شود، تا انگیزه ای باشد برای شکر و حق شناسی انسان: «بدون شک، در آسمان ها و زمین، نشانه های فراوانی است برای آنها که اهل ایمان اند. همچنین در آفرینش شما و جنبندگانی که در سراسر زمین منتشر ساخته، نشانه هایی است برای گروهی که اهل یقین اند»<sup>۱۴</sup>. [۲]

**۸\_۲\_ اثبات یگانگی خداوند و حاکمیت مطلق او بر تمامی هستی**

قرآن، از راه های مختلف، سعی کرده است بشریت را به پرستش خداوند یکتا سوق دهد و از شریک قائل شدن برای او برحذر دارد. آیات بسیاری در قرآن وجود دارند که پس از این که آفرینش عناصر مختلف طبیعی را به خداوند نسبت می دهند و بیان می کنند که اداره امور تمام پدیده های طبیعی جهان (علاوه بر خلقت) نیز به دست خداوند یکتاست، انسان ناآگاه را به پرستش ذات یکتای خداوند، دعوت می کنند و بیان می کنند که نباید معبودی غیر از او را بپرستد: «آیا آن کس که شما را در تاریکی های خشکی و دریا راه می نماید و آن کس که بادها را پیشاپیش رحمتش بشارتگر می فرستد [شایسته عبادت نیست]؟ ایا معبودی دیگر با خدا هست؟ خدا برتر است از آنچه [با او] شریک قرار می دهند»<sup>۱۵</sup>.

**۸\_۳\_ نشان دادن عظمت، قدرت، حکمت، علم و رحمت الهی**

نظام منظم و پیچیده طبیعت، دلیل روشنی است بر عظمت خالق متعال و علم بی پایان و قدرت سترگ او؛ اما انس بشر با طبیعت و تکراری و روزمره بودن حوادث طبیعی (مثل: طلوع و غروب خورشید و ماه، آمد و شد شب و روز و تغییر فصول و...)، باعث غفلت انسان از توجه به خالق آنها می شود. از این رو، قرآن، با بیان حوادث روزمره زندگی آدمی، انسان را به تأمل در آنها وای می دارد و همه این پدیده ها را به عنوان نشانه های عظمت و حکمت آفریننده آنها معرفی می کند: «خداست که هر جنبنده ای را از آب آفرید. پس برخی از آنها بر روی شکم راه می روند و پاره ای بر روی دو پا و گروهی بر روی چهار پا. خدا هر چه بخواهد، می آفریند و البته خدا بر هر چیزی تواناست»<sup>۱۶</sup>.

**۸\_۴\_ اثبات معاد و حیات دوباره**

مسئله معاد و زندگی دوباره و حشر و نشر انسان پس از مرگ، از مسائل پیچیده ای است که همواره در طول تاریخ، ذهن بشر را به خود، مشغول داشته است. از این رو، قرآن، یکی از اهداف مهم خود را، توجه دادن انسان به حیات دوباره قرار داده و از راه های مختلف (از جمله، ذکر مثال های طبیعی) برای اثبات معاد، بهره جسته است: «ایا نمی بینند که خدای یکتاست که آسمان ها و زمین را بیافرید و در آفریدن آنها در نماند. او می تواند مردگان را زنده کند. بلی، او بر هر کاری تواناست»<sup>۱۷</sup> و «از آیات قدرت او آن که تو زمین خشک را می بینی، که چون آب بر آن بفرستیم، چگونه به جنبش آید و گیاه برویاند. آن کس که آن را زنده می کند، زنده کننده مردگان است و البته او بر هر کاری تواناست»<sup>۱۸</sup>.

<sup>۱۴</sup> الجواهر (تفسیر الطنطاوی)، الجوهري الطنطاوی (به نقل از: سیمای طبیعت در قرآن، ص ۳۹).

<sup>۱۵</sup> هزار و یک نکته، [علامه] حسن حسن زاده آملی.

<sup>۱۶</sup> سوره جاثیه، آیه ۴.

<sup>۱۷</sup> سوره نمل، آیه ۶۳.

<sup>۱۸</sup> سوره نور، آیه ۴۵.



## ۸\_۵\_ تشویق به بهره برداری درست از طبیعت

در دوران جاهلیت، مردم بر اثر پیروی از پدران خویش، به خرافاتی دچار شده بودند که بهره وری از برخی مواهب طبیعی را بر خود، حرام کرده بودند و نیز در زراعت و محصولات کشاورزی و باغداری خود، مواردی را برای خود، غیر قابل استفاده می دانستند. برای مثال، قسمتی از زراعت و چارپایان خود را نثار بت ها می کردند و یا مخصوص عده ای خاص (خدمه بت و متولیان بت خانه ها) می دانستند و استفاده عموم مردم از آنها را حرام تلقی می کردند و یا مثلاً می گفتند آنچه در شکم حیوانات ذبح شده است (جنین)، تنها از آن مردان است و بر زنان، حرام است<sup>۱۹</sup> و ...

ولی قرآن با رد این افکار خرافی و به رسمیت نشناختن آنها، استفاده از مواهب طبیعی را برای همه انسان ها اعم از زن و مرد و از هر گروه و طایفه ای که باشند، جایز شمرد: «همانا شما را در زمین، اقتدار بخشیدیم و در آن برای شما، از هر گونه روزی، مقدر کردیم»<sup>۲۰</sup>.

## ۸\_۶\_ بیان مبدأ پیدایش و نحوه تکامل موجودات و نظم آنها

در برخی آیات قرآن، علاوه بر این که مبدأ خلقت و مراحل تکامل بعضی از پدیده های طبیعی مطرح شده است، توجه انسان به هماهنگی بین پدیده های طبیعی سوق داده می شود و به بشر می آموزد که حواصط طبیعی عالم را تصادفی فرض نکند و در پی کشف قوانین منظم آنها باشد: «خدایی که بادها را می فرستد و به وسیله آنها ابر را برمی انگیزاند، پس ابر را هر طور که بخواهد در آسمان می گستراند و آن را به صورت قطعه قطعه در می آورد، آن گاه می بینی که قطرات باران از لابه لای ابرها خارج می شود»<sup>۲۱</sup> و «تو در خلقت خدای رحمان، بی نظمی و نقصانی نخواهی یافت. پس بازنگر. آیا خللی در آن می بینی؟»<sup>۲۲</sup>.

## ۸\_۷\_ استفاده تمثیلی از طبیعت

بهره گیری از مثل در فرهنگ های مختلف، رواج دارد. قرآن نیز برای روشن نمودن برخی حقایق، از مثل هایی استفاده کرده است که در آنها از پدیده های طبیعی - که برای مردم، ملموس تر و قابل دسترس ترند - استفاده شده است. برای مثال، به چند نمونه از این تمثیلات اشاره می شود:

«اعمال کافران، همچون سرابی است در یک کویر که انسان تشنه، آن را آب می پندارد، اما هنگامی که به سراغ آن می آید، چیزی نمی یابد»<sup>۲۳</sup>.

«اعمال آنان که به پروردگارشان کافر شدند، همچون خاکستری است در برابر تندباد در یک روز توفانی. آنها توانایی ندارند، کمترین حاصلی از آنچه انجام داده اند، برگیرند»<sup>۲۴</sup>.

«مثل کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، مثل بذری است که هفت خوشه می رویاند و در هر خوشه، یکصد دانه است و خداوند، آن را برای هر کس که بخواهد (شایستگی داشته باشد)، دو یا چند برابر می کند»<sup>۲۵</sup>.

یکی از نکات جالبی که در قرآن با آن روبه رو می شویم، این است که خداوند، حتی برای دلداری دادن به پیامبران خود نیز از مظاهر طبیعی استفاده کرده است که ماجرای موسی(ع) و تجلی خداوند بر کوه و متلاشی شدن آن، یکی از این نمونه هاست و در جایی دیگر نیز خداوند برای دلداری دادن پیامبر اسلام(ص)، از عناصر طبیعی بهره گرفته، می فرماید: «چون تو را دیدند، مسخره ات کردند که آیا این است آن پیامبری که خدا بر ما مبعوث کرده است؟... آیا گمان کرده ای که بیشترینشان می شنوند و می فهمند؟ اینان چون چارپایانی بیش نیستند؛ بلکه از چارپایان هم گمراه ترند. ندیده ای که پروردگار تو چگونه سایه را می کشد؟ در حالی که اگر می خواست،

<sup>۱۹</sup>سوره احقاف، آیه ۳۳.

<sup>۲۰</sup>سوره فصلت، آیه ۳۹.

<sup>۲۱</sup>سوره انعام، آیه ۱۳۸.

<sup>۲۲</sup>سوره اعراف، آیه ۱۰.

<sup>۲۳</sup>سوره ملک، آیه ۳.

<sup>۲۴</sup>سوره نور، آیه ۳۹.

<sup>۲۵</sup>سوره ابراهیم، آیه ۱۸.

در یک جا ساکنش می گرداند. آن گاه، آفتاب را بر او دلیل گردانیدیم. سپس سایه را اندک اندک برگزفتیم. اوست که شب را پوشش شما کرد و خواب را آرامستان و روز را زمان برخاستنتان. اوست که پیشاپیش رحمت خود، بادها را به مژده فرستاد و از آسمان، آبی پاک نازل کردیم تا سرزمین مرده را بدان، زندگی بخشیم و چارپایان و مردم بسیاری را که آفریدیم، بدان سیراب کنیم و تا به تفکر پردازند، باران را میانشان تقسیم کردیم؛ ولی بیشتر مردم، جز ناسپاسی نکردند. اگر می خواستیم، به هر آبادی بیم دهنده ای (پیامبری) می فرستادیم. از کافران، اطاعت مکن و به حکم خدا با آنها جهاد کن، جهادی بزرگ. اوست که دو دریا را به هم بیامیخت، یکی شیرین و گوارا و دیگری شورابی سخت گزنده و میان آن دو، مانعی و سدّی استوار قرار داد»<sup>۲۶</sup>.

## ۹\_ نمونه هایی از پدیده های طبیعی در قرآن

### ۹\_۱\_ آب و باران

قرآن از آب به عنوان نعمت، رزق، رحمت و برکت یاد می کند و همچون تورات، اصل و منشأ آب را آسمان می داند: «ما از آسمان آبی، نازل کردیم و بدان سیرابتان ساختیم»<sup>۲۷</sup>.

از دیدگاه قرآن، باران، آب پاکیزه و پربرکت و رزق الهی است. باران در قرآن، با این تعابیر توصیف شده است: طهور (پاکیزه)، مبارک (پربرکت) و ...<sup>۲۸</sup>.

### ۹\_۲\_ باد

چهره ای که قرآن از باد نشان می دهد، صورتی بشیر و نذیر است: «اوست که پیشاپیش رحمت خود، بادها را به بشارت می فرستد»<sup>۲۹</sup>. قرآن، همچنین به نقش بادها در باروری ابرها و تولید باران، اشاره کرده است.<sup>۳۰</sup>

### ۹\_۳\_ کوه ها و دریاها

قرآن از کوه ها با تعبیر اوتاد (میخ ها) و نیز رواسی (لنگرها) یاد کرده است؛ زیرا کوه ها تکیه گاه و نگه دارنده زمین اند و باعث سکون و آرامش آن می شوند: «برای ثبات شما در زمین، کوه های استوار قرار داد...».

### ۹\_۴\_ گیاهان

قرآن کریم، گیاهان را رزق و برکت الهی و نعمت خداوندی می داند. نام برخی از گیاهان، به صورت ویژه در قرآن آمده است. برای مثال، خداوند به انجیر و زیتون، سوگند یاد می کند و انگور و انار را از میوه های بهشتی معرفی می کند و نیز از موز و سدر نیز در بهشت، سخن به میان می آورد.

<sup>۲۶</sup> سوره بقره، آیه ۲۶۱.

<sup>۲۷</sup> حجر، آیه ۲۲.

<sup>۲۸</sup> سوره حجر، آیه ۲۲.

<sup>۲۹</sup> سوره اعراف، آیه ۵۷.

<sup>۳۰</sup> سوره نحل، آیه ۱۵.

## ۹\_۵\_ حیوانات

در قرآن کریم، آیاتی هستند که در آنها از خلقت حیوانات، منافع و آثار و اسامی آنان صحبت شده است. هفت سوره از قرآن، به اسم حیوانات نام گذاری شده اند؛ بقره (گاو)، انعام (چارپایان)، نحل (زنبر عسل)، عادیات (اسب های دهنده)، نمل (مورچه)، عنکبوت و فیل. همچنین در ۵۲ سوره قرآن و حدود ۱۵۰ آیه از قرآن، از حیوانات، یاد شده است. در قرآن، بیشتر از همه، کلمه انعام (چارپایان) در قرآن آمده که خداوند، آنها را کمک الهی به انسان معرفی نموده است: «چارپایان را برایتان آفرید. شما را از آنها نیرو و دیگر سودهاست و از گوشتشان می خورید و... قطعاً پروردگار شما رئوف و مهربان است»<sup>۳۱</sup>.

## ۱۰\_ نتیجه گیری

آفرینش کار معمار طبیعت است و چون انسان آفریده اوست، قادر به آفرینش می باشد. یگانه معمار هستی با دمیدن روح خویش در کالبد انسان او را جانشین خود بر روی زمین قرار داد. همان گونه که خداوند با دمیدن روح خلاقه خود در جسم بی جان، آدمی را می آفریند؛ انسان نیز در مقام جانشین وی با دمیدن روح خلاقه خود در کالبد مواد خام و بی جان به آنها زندگی می بخشد و بدین سان هنر از انسان زاینده می شود. آفرینش به مفهوم اصیل آن با وظیفه دشوار ساختن چیزی که از قبل وجود ندارد، درگیر است. به بیان بهتر آفرینش به هیچ عنوان تقلید را نمی پذیرد. آفرینش چشمه جوشان هنرهاست و آثار بزرگ هنری در پرتو نور آفرینش گری خالقان خود پا به عرصه وجود نهاده اند. به واسطه آفرینش است که اثری بدیع و جدید در حوزه هنر و معماری زاده می شود و موجبات ارتقای وضع موجود را فراهم می آورد. با بررسی های انجام یافته در مبحث آفرینش از دیدگاه قرآن کریم میتوان به نتایج آن به شرح ذیل اشاره کرد: - خداوند متعال، در هر زمان های، در کاری جدید است و امری جدید می آفریند که هرگز نبوده است. کارهای او، ابتکاری و بدون الگو می باشند و قبل از هر پیدایشی به خلق مجردات و با هدفی خاص و نقشی نو می پردازد. - خالق و مخلوق با هم بوده و وجود یکی، بدون دیگری قابل قبول عقل نبوده و از محالات است. در جهان یک بوده هست و همه هستی نمود و مظاهر مختلف این بوده اند. - آفرینش با یک نگاه مجموعه ای شکل گرفته است و آنگونه که مولانا در مثنوی معنوی نیز اشاره داشته است

با تانی گشت موجود از خدا  
تا به شش روز این زمین و چرخ ها  
ورنه قادر بود کز کن فیکون  
صد زمین و چرخ آوردی برون  
این تانی از بی تعلیم تو است  
صبرکن در کار، دیر آی و درست

- آفرینش همواره به صورت فرآیندی و تکاملی انجام پذیر است و تغییرات در آن را می توان یکنواخت و تدریجی برشمرد. فرآیندها در طبیعت، همان فعالیت ها و یا افعال طبیعت اند که حرکت و زمان را نشان می دهند. تکامل خود فرآیندی است که به تغییرات ساختاری، عملی، و رفتاری گونه ها می انجامد که نام دیگر آن سازش است. فرآیندها اقدامات و الگوی رویدادها محسوب می شوند. - در تمامی مراحل آفرینش همواره عناصر متضاد در کنار یکدیگر وجود داشته و نقش تکاملی برای یکدیگر دارند. آنچه ان که آسمان در برابر زمین، شب در کنار روز و خشکی در مقابل آب خلق شده است. در یکی از قدیمی ترین اسناد کتبی چین باستان در قرن هفتم یا هشتم پیش از میلاد شرحی راجع به زوج متضاد بین و یانگ و اثر متقابلشان بر یکدیگر ارائه شده است. براساس این طرز فکر تمام پدیده

<sup>۳۱</sup> سوره نحل، آیات ۵-۷.

های طبیعی، شامل یا تابع یک تضاد مضاعف هستند. مثلاً بزرگی فقط از طریق قیاس با کوچکی قابل شناسایی است. این زوج های متضاد، نفی کننده یکدیگر نیستند بلکه هرکدام آنها شرط وجود دیگری به شمار می روند.

- پس از آفرینش هر عنصری باشکافتی در آن و لایه لایه کردن آن یک سیالیت و پیوستگی در ساختار آن به وجود آمده است. هفت آسمان و شکافت طبقات آن، چین ها و حفره های زمینی و ... مثالی است براین فرآیند.

## ۱۱\_ منابع

### ۱\_ قرآن کریم

۲\_ الجواهر (تفسیر الطنطاوی)، الجوهری الطنطاوی (به نقل از: سیمای طبیعت در قرآن، ص ۳۹).

- ۳\_ Ghobadian, V.; (۲۰۰۴) The Principles and Concepts of Western Current Architecture; Vol.۲; Tehran, Cultural Research Office
- ۴\_ Noghrekar, A.; (۲۰۰۹) The Man, the Nature, the Architecture; Tehran, Payame-noor University.
- ۵\_ Golparvarfard, N.; (۲۰۰۹) The Man, the Nature, the Architecture; Tehran, Tahan.
- ۶\_ Mehr News Agency; (۲۰۱۳) <http://www.mehrnews.com/search?q=۲۰۹۶۳۹۸>; July ۱۴.
- ۷\_ Ragheb-Esfahani, H.; (۱۹۸۱) Almofaradat fi Gharibe-alquran; Khosravi Hossainy, Gh.; ۳rd ed.; Tehran, Mortazavi.
- ۸\_ The Holy Quran, Ebrahim, ۲۴.
- ۹\_ The Holy Quran, Ghaf, ۹.
- ۱۰\_ The Holy Quran, Foselet, ۱۱.
- ۱۱\_ The Holy Quran, Sajde, ۵.
- ۱۲\_ Moosavi Hamedani, M. B.; (۱۹۹۵) The Translation of Tafser-almizan; Vol. ۵; Issue ۱۶; Qum, Islamic Publication of Hoza Scholars.
- ۱۳\_ The Holy Quran, Hood, ۶۵.
- ۱۴\_ The Holy Quran, Ebrahim, ۵.
- ۱۵\_ The Holy Quran, Baghare, ۱۱۳.
- ۱۶\_ The Holy Quran, Zariat, ۵۶.
- ۱۷\_ The Holy Quran, Najm, ۴۲.
- ۱۸\_ Al-Esfahani, M.M.T; (۲۰۰۰) Makiale-alma-karem; Beirut, Alelmi Assosiation.
- ۱۹\_ The Holy Quran, Asra, ۱۷.
- ۲۰\_ Tabarsi, A.; (۱۹۹۴) Majmaolbayan fi TafsirolQuran; Vol. ۶; Beirut, Moases alelmi
- ۲۱\_ lelmatbouat.Tabatabaee, M. H.; (۱۹۷۰)
- ۲۲\_ Khomaini, M.; (۱۹۹۷) The Holy Quran Interpretation; Khomaini Assosiation; Vol. ۴.
- ۲۳\_ Tofighi, H.; (۲۰۰۵) Knowing Great Religions; Tehran, SAMT. ۲۳-Tabatabaee, M. H.; (۱۹۹۶) Tafsirolalmizan; Moosavi Hamedani, M. B.; Qum, Islamic Publication Office.
- ۲۴\_ Tabatabaee, M. H.; (۱۹۹۶) Tafsirolalmizan; Moosavi Hamedani, M. B.; Qum, Islamic Publication Office.
- ۲۵\_ Shaygan, D.; (۱۹۹۰) Henry Corbin: the horizons of spiritual thinking within Iranian Islam; Parham, B.; Tehran, Nashre-farzan.
- ۲۶\_ Ridgeon, L.; (۱۹۹۸) Aziz Nasafi; Kayvani, M.; Tehran, Nashre-markaz.
- ۲۷\_ Falamaki, M. M.; (۱۹۸۶) The Indigenous Architecture in Iran; Tehran, Faza Scientific and Cultural Assosiation.

## Studying the natural dimension of creation from the perspective of the Qur'an

### Abstract

"Creation" is the act of God Almighty, and creativity is also His attribute, but since God created man in His own image and breathed a soul into his flower, by virtue of being the Khalifa of God, he should be ascribed to the attributes of God and the manifestation of God's names and attributes. be on the ground

This research seeks to obtain a road map for the creation and creation of works of art and especially architecture by comparing the process of creation of nature from the perspective of the Holy Qur'an, and further discusses the performance of an architect in interaction with the cycle of existence and the generality of the diagram. Draw his creative process. In this way, the analytical-interpretive method has been used, and the collection of materials has been done in the library and field.

At the end of this study, it shows, just as God creates a person by breathing his creative spirit into an inanimate body; Man, as his successor, breathes his creative spirit into the body of raw and inanimate materials and gives life to them, and thus art is born from man. On the other hand, creation is always done as a process, and in all stages of creation, opposing elements always exist alongside each other and have an evolutionary role for each other; A kind of diversity that all come from a current source and evolve together. In other words, it can be said: in creation; God has revealed the connection with similitude and with tension; It has given identity and personality to every element.

**Key words:** creation of the world of creation, architecture, analogy and contrast.